



یادداشت



## تجربیات ۳ سال گذشته، برای برنامه‌های

### ۴ سال آینده\*

خوشبختانه تا آنجا که آمار و ارقام نشان می‌دهد، کارنامه ایست در حد خود مثبت و در بیشتر موارد جهت‌های روبه‌رشد را در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور از سال ۱۳۶۸ تا آخر سال ۱۳۷۱ نشان می‌دهد. در حقیقت اهمیت اساسی این گزارش ناشی از درج بسیار به موقع آمار سال گذشته فقط پس از یک ماه از گذشت سال ۷۱ می‌باشد و شاید برای نخستین بار باشد که آمار اساسی یک سال کشور را، آن هم به شکل مقایسه‌ای فقط پس از یک ماه از گذشت سال در دسترس داریم و به جاست که

در اردیبهشت ماه سال جاری کارنامه بیست و یک ساله عملکرد دولت در ۴ سال اول اولین برنامه پنج ساله عمرانی و اقتصادی کشور که در عین حال مصادف با دوران اول ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی است، از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشار یافت.

از تلاش‌های تهیه‌کنندگان این آمارها و نیز کوشش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در انتشار بسیار به موقع گزارش "پس از ۴ سال" تشکر و قدردانی کنیم. در فصل اول گزارش به بررسی تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور قبل از شروع برنامه عمرانی اشاره شده است که چون مادر گزارش پایانی سال ۱۳۷۰،

گزارش جامعی از مسائل، مشکلات و پیشرفتهای کشور از زمان انقلاب تا هنگام تهیه گزارش مزبور در همین مجله درج کردیم، از تکرار این قسمت از گزارش خودداری می‌کنیم و از خوانندگان و محققین که علاقمند به سیر جریان اقتصادی - اجتماعی کشور طی دوره انقلاب هستند دعوت می‌کنیم به آن گزارش و نیز به فصل اول گزارش "پس از ۴۰ سال" رجوع نمایند.

بررسی ما روی گزارش "پس از ۴۰ سال" به آن دلیل نیست که بخواهیم منحصرآ "رشته آماری، هرچند هم که جدید باشد، در اختیار خوانندگان بگذاریم، بلکه هدف اصلی ما این است که نشان دهیم چه تجربیاتی اعم از موفقیت یا شکست طی ۴۰ سال گذشته آموخته‌ایم و چگونه می‌توان و باید در ۴۰ سال آینده (که مصادف با دومین دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی است) از آنها نتیجه مثبت گرفت.

## مسکن

یکی از مشکلات کنونی بشر، حتی در جوامع بسیار پیشرفته، مشکل مسکن است که سهم عمده‌ای از درآمد خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد. گزارش "پس از ۴۰ سال" حاکی است که طی ۲۱ سال یعنی از ۱۳۳۵ تا پایان سال ۱۳۵۶ جمع واحدهای معمولی مسکونی به اتمام رسیده ۳۲۷۲۰۴۴ واحد بوده است، در حالیکه طی ۸ سال از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ تعداد ۳۶۱۴۶۰۸ واحد مسکونی در کشور ساخته شده است، یعنی ظرف ۸ سال بعد از انقلاب، ۱۰ درصد بیش از ۲۱ سال زمان رژیم گذشته، خانه ساخته شده است.

اگرچه این آمار به خودی خود جهت بسیار مثبتی را نشان می‌دهد، لیکن در ذکر این ارقام باید به دو نکته نیز توجه داشته باشیم، یکی رشد سریع جمعیت طی سالهای مورد بحث است که به مراتب بیش از رشد جمعیت در سالهای قبل از آن بوده است و دیگری بازسازی واحدهایی که در زمان جنگ تخریب شده بود که در حقیقت سهمی از رقم اخیر

الذکر مربوط به بازسازی و جایگزینی این واحدها بوده است. نتیجه آنکه مشکلات مسکن علیرغم تلاش بسیار زیادی که به کار رفته، هنوز با حدت و شدت وجود دارد و احتمالاً "چنانکه گزارش مورد بحث می‌گوید - مشکلات اجاره نشینی در شهرهای بزرگ مانند تهران بیشتر شده است. بدیهی است در نوع مصالح به کار رفته در ساختمان مسکن پیشرفت محسوسی حاصل شده، نحوه ساخت مسکن تغییر کرده و اغلب خانه‌های پیش ساخته، یک، دو یا سه طبقه به علت گرانی زمین، ویران گردیده و به جای آن خانه‌های ۴ یا ۵ طبقه - با پارکینگ و اکثراً "با اسکلت فلزی و بتون آرمه ساخته شده است. قیمت زمین و خانه به نحوی سرسام آور بالا رفته به نحوی که طبقات کم درآمد و حقوق بگیران تقریباً "از آرزوی آنکه صاحب خانه شخصی شوند و یا حتی خانه متناسب با وضع اجتماعی خود را بدست آورند ناامید کرده است. به این ترتیب یکی از برنامه‌های ۴ ساله آیینسده دولت باید افزایش روند ساختمان سازی باشد. برای آنکه تلافی منابع پیش نیاید دولت و شهرداری می‌باید در سیاست ساخت مسکن تغییرات اصولی پیدا آورند. برای مثال به هیچ‌خانه قابل سکونت اجازه تخریب داده نشود، زیرا که فرضاً "خراب کردن یک خانه ۳ طبقه و ساختن یک خانه ۴ طبقه به جای آن، فقط در حکم اضافه شدن یک واحد ساختمانی با هزینه سنگین تخریب ۳ واحد قبلی و به اضافه یک طبقه جدید می‌باشد و یکی از دلایل گرانی مسکن نیز همین می‌باشد. دولت و شهرداری باید هر واحد ساختمانی را از زیبایی‌کنند و اگر این واحدها قابل زیست هستند، اجازه تخریب آنها را ندهند و در عوض اجازه دهند در مناطقی ساختمان نشده ساختمانی با طبقات بیشتر، حتی با الزام نصب آسانسور، ساخته شوند. گاه شاهد هستیم خانه‌هایی خراب می‌شود که هر ذره آن را باید بادها و بارشها برضربه زدن جدا کنند و قادرند

بیش از یک صد سال دوام بیاورند. حال که بحث مسکن پیش آمد بد نیست از نقطه نظر رفاه و آسایش عمومی که نهایتاً "هدف همه برنامه‌های مملکتی می‌باشد، شهرداری طرح عمران و آبادی شهر را به صورت منطقه‌ای، ناحیه‌ای و حتی محله - یا خیابان به خیابان تهیه کند. زیرا با وضع فعلی گاه مردم تمام عمرشان را در مزاحمت ساختمانهای واحدیه واحد می‌گذرانند، هنوز یک واحد تمام نشده و واحد دیگر را تخریب می‌کنند و این جریان همچنان ادامه می‌یابد. البته به دشواریهای قانونی و اجتماعی ناشی از این امر واقف هستیم، اما شهرداری و وزارت اقتصاد و دارایی و وزارت مسکن و شهرسازی از طریق سیاستهای تشویقی می‌توانند برای انجام این گونه امور انگیزه ایجاد کنند.

آمار گزارش مورد استناد حاکی از آنست که تغییر کیفی یعنی استفاده از مصالح بادوام در ساختمانهای روستایی بسیار چشمگیر بوده به طوری که در مدت مورد گزارش از ۹/۲۲ درصد به ۱۶/۵ درصد رسیده است. طی سالهای اخیر شاهد زلزله‌های مکرری بودیم که بسیاری از مناطق روستایی را به کلی ویران کرده است. بررسیهای انجام شده نشان داده است که اکثر قریب به اتفاق ویرانی‌ها مربوط به ساختمانهای روستایی بوده که با مصالح بسیار کم دوام ساخته شده‌اند. یکی از برنامه‌های دولت در ۴۰ سال آینده باید تهیه و اجرای استاندارد ساختمانی در شهرها و روستاها به خصوص در نقاطی که روی خطوط زلزله قرار دارند، باشد، به نحوی که تا درجه معین و قابل قبولی از زلزله رابدون آسیب تحمل نماید. طبعاً "جنبش ساختمانیهای گرانتر تمام می‌شوند، اما این گرانی به سلامت افراد و آسیب ندیدن ساختمانهای ارزد از این رودولت باید مقررات تشویقی برای کسانی که این گونه استانداردها را به خصوص در نقاط زلزله خیز روستاها رعایت می‌کنند، قائل شود تا انشاء الله در فرصتی اندک به کلی بافت روستاها دگرگون شده و از خانه‌های ساخته شده از گل و خشت باتیرهای چوبی درهم شکسته و موربانه خورده اثری برجای نماند و به جای آنها، پیش از آنکه آسیبی وارد، آبدخانه‌های قابل زیست و محکم

(جدول ۱)

شرح	سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۶۸
استفاده از آب لوله کشی	۷۹/۶۳ درصد	۹۹/۹۷ درصد
برق	۹۱/۵۷ درصد	۹۹/۴۰ درصد
لوله کشی گاز	-	۱۳/۶ درصد
حمام (گرم)	۳۱/۶۷ درصد	۶۱/۲۷ درصد
کولر	۲۳/۲۳ درصد	۳۴/۵۶ درصد

(جدول ۲)

شرح	سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۶۸
استفاده از آب لوله کشی	۱۱/۷۰ درصد	۵۶/۴۹ درصد
برق	۱۶/۳۵ درصد	۷۰/۸۰ درصد
لوله کشی گاز	-	۰/۶۳ درصد
حمام (گرم)	۱/۲۴ درصد	۱۲/۴۱ درصد
کولر	۰/۳۷ درصد	۶/۵۹ درصد

ساخته شود. نکته‌ای که در اینجا اشاره به آن خالی از لطف نیست، این است که اصولاً "مردم ایران داشتن یک خانه شخصی را نوعی تامین رفاه و وزندگی می‌دانند و از همین روستاها روستاها نسبت به بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی اندک است. برای مثال براساس آخرین آمار در شهرها فقط ۱۲/۶ درصد کل خانوارها و در روستاها ۳ درصد خانوارها اجاره نشین هستند و بقیه با صاحب خانه هستند و یا اجاره نمی‌پردازند.

به هر صورت تغییر ساختار روستاها و ایجاد روستاهای مدرن که تا حد امکان مانع مهاجرت روستا نشینان به شهرها شود، یک ضرورت اساسی است. در این راه باید صنایع سبک جنبی از قبیل برنامه ساخت قطعات مختلف صنعتی براساس یک برنامه صحیح در روستاها پیاده شود.

ناگفته نماند، بسیاری از روستاهای کشور به علت دشواریهای ناشی از کمبود آب یا سیلابهای فصلی یا تخلیه می‌شوند و یا تهدید به ویرانی می‌گردند که در این راه برنامه دوم می‌باید نقش قاطع ایفا کند.

در عین حال زندگی چه در شهرها و چه در روستاها باید براساس استانداردهای مورد قبول دنیای امروز صورت گیرد. خوشبختانه آماری که در مورد تسهیلات عمده مسکن چه در شهرها و چه در روستاها در سالهای ۵۶ و ۶۸ در دست است، نشان از روند سریع رفاه و تسهیلات مسکن می‌دهد. برای مثال در مناطق شهری تأسیسات رفاهی ظرف این دو سال به شرح زیر تغییر کرده است. (جدول ۱)

در نقاط روستائی اگر چه با زهم پیشرفته‌های چشمگیری خاصه در زمینه آب لوله کشی و برق دیده می‌شود، معیناً هنوز نیاز به تسهیلات عمده رفاهی وجود دارد. جدول زیر وضع تسهیلات عمده مسکن در نقاط روستائی را در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۸ نشان می‌دهد. (جدول ۲)

در شهرها و چه در روستاها پیاده است. به طوری که در مناطق شهری در سال ۱۳۶۸ نسبت با سوادان مرد به ۸۲/۲ درصد و با سوادان زن به ۶۸/۷ درصد رسیده است. در مناطق روستائی در همان سال نسبت مردان با سواد به ۶۵/۳ درصد و زنان با سواد به ۴۴/۶ درصد رسیده است. (منظور از سواد آموزی، در اینجا کسانی هستند که خواندن و نوشتن زبان مادری را می‌دانند). امید است که طی دو برنامه آینده بی‌سوادی از کشور ریشه کن شود.

## بررسی عملکرد اقتصادی

### دولت و خط مشی‌های آینده

از آنجا که بررسی‌های مربوط به امورات اقتصادی و بازرگانی دولت و خط مشی‌های آینده مستقیماً "در زمینه خط مشی" نام اتاق بازرگانی قرار دارد، بحث مادر این زمینه طبعاً "مفصل تر خواهد بود. یکی از سیاستهای اقتصادی اعلام شده از سوی

جدول فوق نشان می‌دهد که هنوز فاصله بسیار زیادی بین مناطق شهری و روستائی وجود دارد که هر چه این فاصله به نفع مناطق روستائی کم شود طبعاً "استقرار مردم و فعالیت آنها در روستاها بیشتر شده و طبعاً اقتصاد روستائی که زیربنای اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد مستحکمتر خواهد شد.

در مورد دیگر وسایل رفاهی و لوازم عمده زندگی در روستاها بهتر است سخن گفته شود، زیرا به جز چند قلم مانند رادیو، ضبط صوت، تلویزیون، اجاق گاز، یخچال و جرخ خیاطی، بقیه اقلام تقریباً "قابل ذکر نیست. اما بدون تردید با افزایش سطح درآمد روستائیان این وسایل نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین یکی از هدفهای عمده برنامه دوم باید افزایش هر چه بیشتر درآمد روستائیان باشد.

### سواد آموزی

سواد آموزی یکی از نقاط بسیار امیدوارکننده طی سالهای اخیر افزایش تعداد افراد با سواد چه

دولت در برنامه اول حمایت از گروههای کم درآمد جامعه بوده است. طبیعی است که این حمایت فقط به معنای دادن مزد بیشتر به آنها نمی باشد، بلکه در درجه اول تأمین خدمات رفاهی فراگیر از عمده ترین خدماتی است که دولت می تواند به همه اقشار و جمله گروههای کم درآمد عرضه دارد. فرضاً "وقتی تلو بیون به همه خانه ها راه یابد و برنامه های خوبی عرضه کند در حکم تأمین بخشی از رفاه مورد نیاز مردم تلقی می شود. از طرف دیگر ارائه سوبسید یک نوع کمک غیر مستقیم است که طبعاً کسانی که درآمدهای بالا دارند و کسانی که درآمدهای بسیار پایین دارند یکسان از آن - استفاده می کنند که این برخلاف عدالت اجتماعی است. از این رو دولت تصمیم گرفته است و طبعاً باید این تصمیم را در برنامه دوم پیاده کند که سوبسیدها را به صورت پرداختهای نقدی به خانواده های نیازمندان اختصاص دهد. اما در این راه باید از تجربیات ناموفق بسیاری از کشورها که مردم را به بیگاری سوق داده و علناً از کار کردن، به امید دریافت مساعده دولت، خودداری می کنند جلوگیری کند. این جهت ناخوشایند که به آن اشاره شده اخیراً "در کشوری مثل انگلستان تا آنجا پیش رفت که دولت را مجبور کرد کمکیهای خود را فقط به کسانی اختصاص دهد که سهمی از درآمدشان را از کار خود تأمین کنند، مگر کسانی که مطلقاً قادر به هیچ نوع کاری نباشند.

بنابه گزارش "پس از ۴ سال"، در این راستا طی ۴ سال برنامه اول ارائه خدمات عمومی به بیش از میزان پیش بینی شده در برنامه بوده است. یکی از سیاستهای اساسی که دولت تعقیب کرده است - هنوز نتایج لازم و کافی را به دست نیاورده، و آگاهی واحدهای تولیدی به بخش خصوصی است که به خصوصی سازی معروف شده است. در این راستا توجه به اینکه کاملاً "روشن شده است"، "انگیزه"

شخصی عمده ترین، مشخصه فعالیت افراد هیبر جامعه می باشد، باید در برنامه دوم امر خصوصی سازی را به نحوی به آنها رسانید که دولت منحصراً تنظیم کننده برنامه های اساسی اقتصادی و ناظر بر حسن اجرای آنها باشد و از هر نوع انحصار و شبه انحصار در جامعه جلوگیری کند. حتی در زمینه هایی که دولت به خاطر مسائل مربوط به مصلحت عمومی تصدی پاره ای از واحدهای تولیدی را مثل نفت به عهده می گیرد نباید از واگذاری صنایع جنسی آن (به شرط حفظ رقابت) جلوگیری نماید.

در ۴ سال مورد گزارش، به علل مختلف قیمتیهای کالاهای مصرفی مردم در حال افزایش بوده است که از آن جمله کمبودهای زمان جنگ، نیاز به ترمیم واحدهای تولیدی آسیب دیده، افزایش سریع جمعیت، افزایش جهانی قیمتها و ارزان شدن قیمت نفت در بازارهای بین المللی را می توان ذکر کرد. البته دستمزد ها در این مدت افزایش یافته که گاه قابل توجه هم بوده است. اما واقعیت این است که افزایش دستمزد ها پایین تر از افزایش سطح عمومی قیمتها بوده است. یکی از وظایف اصلی دولت در ۴ سال آینده این است که سطح عرضه را به خصوص در زمینه سطح عرضه داخلی افزایش دهد و حجم پول را به نحوی کنترل کند که درآمدهای افسار گسیخته گروه معدودی از افراد جامعه کنترل شده، از مسیر مصرف غیر ضروری به مسیر سرمایه گذاری در جهت تولید کالاهای اساسی سوق پیدا کند و به این ترتیب تورم در سطح معقول خود که رقمی بیش از ۳ درصد در سال نیست، مستقر شود. زیرا که افزایش دستمزدها هرگز جوابگوی تورم نیست، بلکه خود مزید تورم می شود.

## بهداشت و درمان

تردید نیست که در سالهای اخیر کمبود دارو و درمان یکی از مشکلات عمده کشور بوده است. البته این امر به آن معنی نیست که در امر بهداشت، دارو و درمان در این سالها پیشرفتگی حاصل نشده است. به عکس با افزایش سطح سواد

و سطح زندگی مردم، طول متوسط عمر (یا امید به زندگی) که بلافاصله قبل از انقلاب تا ۵۸ سال نیز تنزل یافته بود، اینک به بالاتر از ۶۸ سال رسیده و مرگ و میر اطفال از ۱۱۵ در ۱۰۰۰ (در سال ۱۳۵۶) به ۵۳/۴۴ در ۱۰۰۰ (در پایان سال ۶۹) کاهش یافته است و تعداد خانه های بهداشت روستایی از ۱۸۹۸ باب به ۷۷۰ باب رسیده است که سه افزایشی بیش از ۴ برابر نشان میدهد. با این همه به علت شرایط ناشی از جنگ و خرابی و ویرانی و به هم ریختن نظم زندگی شهری و روستایی در سالهای جنگ و نبرگ رانی نرخ ارز و افزایش سریع جمعیت، به طور کلی وضع دارو و درمان در سطح دلخواه نیست. یکی از برنامه های اساسی ۴ سال آینده دولت می باید این باشد که بهداشت و درمان را در سطح قابل قبول در سراسر کشور گسترش دهد، به نحوی که از این نقطه نظر، هیچ منطقه ای جز مناطق محروم محسوب نشود.

هزینه درمان اعم از پزشک و دارو در سالهای اخیر به نحوی افزایش یافته که عملاً بسیاری از مردم قادر به استفاده از آنها نیستند. در این راه طبیعی است که دولت باید تدابیر لازم را ببیند و تا هزینه های درمانی مردم متناسب با نیاز آنها و درآمدها باشد. طبیعی است که بالا بردن کیفیت خدمات عرضه شده توسط سازمان بیمه های اجتماعی و دیگر دستگاههای مسئول در این امر نقش اساسی دارد.

## سیاست مصرف

در سالهای جنگ و سالهای دشوار بازسازی، نظام مصرف برهم می خورد. این امر صورتاً "به معنی کاهش کلی مصرف نیست، چرا که بسیاری از کالاها که در زمان عادی مصرفی اندک دارند، در زمان جنگ مصرف روز افزونی می یابند و از سوی دیگر حرض به مصرف، درست در شرایطی که تولید به

علت احضار نیروهای جوان به جبهه‌ها و آسیب دیدن واحدهای تولیدی کاهش می‌یابد، فزونی می‌گیرد، بدیهی است دشواریهای ارزی نیز مزید بر علت شده و یک نوع کمبود اعم از واقعی یا مصنوعی ایجاد می‌کند و سیر ترمیمی قیمت‌ها را دامن می‌زند. با این همه، خوشبختانه شاهد بودیم که در سالهای دشوار جنگ در کشور ما، قحطی "از آن نوع که در جنگ‌های جهانی اول و دوم شاهد بودیم، رخ نداد، در حالیکه در آن دو جنگ عملاً" کشور ما درگیر در جنگ نیز نبود، مسائلی که در اینجامورد توجه ماست، اتخاذ سیاست سالنم اقتصادی است، و الادر هر کشوری کم و بییش کمبودهایی به وجود می‌آید. بر اساس یک رسم کهن، دولت از دیرباز تا منین قسمت عمده ای از - پاره ای هزینه های اساسی مردم را به دوش گرفته است، مانند سوپسیدهایی که در مورد نان یا گوشت یا شکر یا دیگر کالاها می‌از این قبیل می‌پردازد. اگر ما در مورد دار و صحبت از تعسادل بین قیمت و قدرت خرید مردم به عمل آوردیم، این امر در مورد دیگر کالاها نیز باید رعایت شود. اما مطلقاً به معنی ادامه سیاست سوپسید دادن نیست بلکه نقطه نظر ما این است که دولت از طریق ایجاد انگیزه، سطح تولید را در هر زمینه چنان بالا ببرد که کمبودی مشاهده نشود و بازار رقابتی در هر زمینه به وجود آید و طبعاً "در چنین شرایطی هر عرضه کننده ای به کمترین سود ممکن اکتفا خواهد کرد. بنابراین دولت نباید در مسائلی که مورد نظر ماست، تحت تاثیر الفاتات غیر واقعی به سیاستهایی از قبیل تثبیت قیمت‌ها که در تمام دنیا عدم کارایی خود را نشان داده است، روی آورد، بلکه به جای آن باید یک سیاست نظارتی سالم اعمال کند. این سیاست نظارتی، سیاست انتقام جویانسه نیست که فی‌المثل "اگر قیمت نان بالا رفت، نانوا را در تنور بیندازند". بلکه باید به طور علمی مطالعه کنند که چرا قیمت نان بالا رفته و از طریق سیاستهای مالی، تشویقی و رقابتی (اعم از وارداتی یا صادراتی) عرضه آن را چنان افزایش دهند که هر فروشنده ای به کمترین سود معقول راضی باشد و مطمئن باشد که در صورت تجاوز از آن قیمت،

مشتریان خود را از دست خواهد داد. به این ترتیب هزینه های سوپسید که در عمل به صورت نوعی تشویق از مصرف است باید متوجه تولید شود تا عرضه کالا را افزایش دهد. بدیهی است در مورد مساله تولید و مصرف نظریه های اقتصادی متفاوتی مطرح است. از آن جمله، بعضی ها افزایش مصرف کالاها را صرفی راتوصیه می‌کنند و آن را مقدم بر تولید می‌شمارند، زیرا معتقدند به این ترتیب از پیش مشتری آماده خرید می‌شود و وجوه لازم برای سرمایه گذاری در رشته های تولیدی مورد نظر فراهم می‌گردد، به عکس گروهی عقیده دارند، ابتدا باید از هر مرحله که ممکن باشد، سرمایه گذاری لازم صورت گیرد و کالا به بازار آید و آن وقت برای فروش کالای آماده تبلیغ شود. این هر دو نظریه یک وجه مشترک دارد و آن این است که هر دو نظریه افزایش مصرف است و افزایش مصرف را در افزایش سطح سرمایه گذاری (با تقدم یا تا آخر زمانی) توصیه می‌کند. اما در سالهای اخیر ما شاهد تحت تاثیر کمبودهای متعدد، سیاست دیگری را طرح کردیم که ناشی از کنترل مصرف و پایین آوردن سطح مصرف در جامعه بود. تا چندی پیش چنین فرض می‌شد که سطح

مصرف کاهش باید، سطح سرمایه گذاری نیز پایین

می‌آید و جامعه با توسعه بیکاری که بلیه ای خانمان سوز است و در نتیجه آن، با گسترش فقر، روبرو می‌شود. این نظریه از دیدی درست است. اما فراموش نکنیم که مصرف بی بند و بار خود از جمله بدترین عوامل فساد اجتماعی محسوب می‌شود. با پیداشدن آثار کمبود شدید در بسیاری از منابع طبیعی و نیز فزونی گرفتن زباله ها در سطح کره زمین که قسمت عمده ای از آن ناشی از تولید کالاهایی است که یا مصرف نمی‌شود و یا به خوبی مصرف نمی‌شود، اقتصاد جهان آهسته آهسته دارد شکل منطقی خود را که تولید در حد نیاز

مصرف جوامع باشد، بدست می‌آورد (در ایمن بحث ما فعلاً "مساله جوامع تولید کننده و جوامع مصرف کننده را موقتاً" مورد توجه قرار نمی‌دهیم). به نظر نویسنده، سیاست اقتصادی دولت در ۴ سال آینده به جای توجه بر الگوی مصرف باید متوجه الگوی تولید باشد. طبیعی است که تولید و مصرف باید یکدیگر را ربط ناگسستنی دارند و تابع و متبوع یکدیگرند. با این همه اگر از پیش بدانیم چه چیز باید تولید کنیم، چرا باید تولید کنیم، در کجا باید تولید کنیم و به چه مقدار باید تولید کنیم خود به خود منابع ما به بهترین راه ممکن هدایت می‌شود. در اینجا تا کمی می‌کنیم که گسترش سیاست خصوصی سازی و ایجاد رقابت بین تولید کنندگان، در تنظیم سیاست تولید به قیمت ارزان و با کیفیت مطلوب نقش اساسی دارد.

در این راستا، گزارش "پس از ۴ سال" تاکید می‌کند: "در یک نظام اقتصادی سالم، احیاء اقتصادی نه تنها ناپایستی از تحصیل سود نهی شونده بلکه باید با حفظ شرایط به این کار تشویق گردند. در حقیقت در شرایط وجود رقابت، سود ایزاری است برای سنجش میزان کارایی اقتصادی (و البته از هر ایزاری ممکن است استفاده نامطلوب هم به شود). این بحث را در شماره آینده در زمینه های تازه ای ادامه می‌دهیم.

پی نوشت:

این گزارش با توجه به آمار مندرج در گزارش "پس از ۴ سال" منتشره از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه شده، لیکن نتیجه گیریها و استنتاجات مندرج در آن نظریه نویسنده است و الزاماً نظر اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران نیست.